

# کتابهای برگزیده هفتمین جشنواره کتاب کودک و نوجوان

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

محمدعلی کشاورز

مقدمه

در آبان ۱۳۷۷ جشنواره کتاب کودک و نوجوان، مطابق سالهای گذشته به همت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برگزار شد و طی آن کتابهای کودک و نوجوانان منتشر شده در سال ۱۳۷۶ در معرض داوریهای گوناگون قرار گرفت.

برگزاری این جشنواره فی‌نفسه مفید است و اگر با نوعی همه سونگری و معیارهای علمی و کارشناسانه و نیز با دیدی انتقادی، تشویقی برگزار شود، بسیار مفید فایده و برای دست‌اندرکاران کتاب کودک و نوجوان راهگشا خواهد بود. البته اینکه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان متولّی این امر شده است و اینکه آیا چنین کاری درست است یا خیر، یا اینکه چه کسی بایستی متولّی این امر باشد، حدیث دیگری است که در جای خود باید به آن بپردازیم.

به هرحال برای برگزارکنندگان این جشنواره آرزوی توفیق داریم و امیدواریم که در داوریهای آینده نظرات کارشناسانه داوران محترم را در خصوص رد و قبول هریک از آثار، با دلایل متقن و به نحو مقتضی در اختیار علاقه‌مندان قرار دهند تا جشنواره وجهه‌ای آموزشی نیز به خود بگیرد، مؤلفان، مترجمان و طراحان و هنرمندان محترم نقاط قوت و ضعف کار خود را بازشناسند و زحمات طولانی تعداد کثیر داوران نیز که

داوریشان حاصل سالها تلاش و ممارست می‌باشد، در جایی منعکس شود که یقیناً علاقه‌مندان را مفید خواهد افتاد.

در پی همین اندیشه، سردبیر محترم پژوهشنامه از اینجانب خواستند تا دلایل هیئت داوران جشنواره سال ۱۳۷۷ کتاب کودک و نوجوان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را در حوزه داورى تصویرسازی و طراحی روی جلد، همراه با نقد آنها فراهم کنم.

## کلّیات

«تصویرسازی برای کودکان و نوجوانان از جهت مسائل آموزشی و پرورشی مقوله‌ای است با اهمیت و از آنجا که «یادگیری» از راه «دیدن» بالاترین سهم را نسبت به دیگر حواس پنجگانه آدمی دارد، لزوم توجه به توان ضروری می‌نماید. در ایام پس از انقلاب اسلامی، کمابیش به این قضیه توجه شد و نمایشگاههای دوسالانه تصویرگری کتابهای کودک و نوجوان نیز برگزار گردید؛ به بخشی از نیازها پاسخ گفته شد و تا حدودی نیز جریان تصویرگری برای کتابهای کودکان و نوجوانان شتاب یافت. این حرکتها امیدهایی در دل تصویرگران و مردم ایجاد کرد و مسئولان ذی‌ربط و برگزارکنندگان نمایشگاهها نیز شعف خود را آشکار و آرزوها و آمال خویش را برای ادامه راه ابراز کردند. در این میان، ناشران

**برای بررسی تصاویر و طرحهای روی جلد کتابهای کودک و نوجوان، شایسته است که متن، توسط داوران خوانده شود تا ارتباط تصویر و متن، جایگذاری تصاویر در صفحات کتاب، تناسب روحیه تصاویر با متن و دیگر جهات فنی و هنری به صورت همه جانبه مورد توجه قرار گیرند.**

رشد تصویرگری کتاب کودک و نوجوان ایجاب شده‌اند که همه دست‌اندرکاران و پدیدآورندگان کتاب کودک و نوجوان از آن آگاهی دارند»<sup>(۱)</sup>

در بیانیه تصویرسازی و طراحی روی جلد جشنواره کتاب کودک و نوجوان که در آبان ۱۳۷۷ برگزار شد، راهکارهایی در ده بند جهت بررسی همه جانبه پیشنهاد شد تا معضلات تولید کتاب کودک و نوجوان به همت دست‌اندرکاران برطرف شود.

#### داوری

در جشنواره‌های پیشین رسم بر این بود که داوران، تصاویر متن و طرحهای روی جلد کتابهای کودک و نوجوان را بررسی کرده، اسامی نفرات برتر را اعلام می‌کردند. این نوع داوری اگرچه تا به حال در حد انجام وظیفه کارساز بوده است، ولی به اعتقاد بنده می‌توانسته است به شیوه بهتر و کاملتری صورت بگیرد تا نتیجه‌ای مطلوب و قابل قبول عاید شود.

برای بررسی تصاویر و طرحهای روی جلد کتابهای کودک و نوجوان، شایسته است که متن، توسط داوران خوانده شود تا ارتباط تصویر و متن، جایگذاری تصاویر در صفحات کتاب، تناسب روحیه تصاویر با متن و دیگر جهات فنی و هنری به صورت همه جانبه مورد توجه قرار گیرند. در جشنواره اخیر (آبان ۱۳۷۷)، کانون پرورش

خصوصی و دولتی و هنرمندان، ضمن همکاریها و همدلیهایی که ابراز نمودند، بر رونق و جلوه این ماجرا افزودند.

در سال ۱۳۷۷ زمانی که نمایشگاه دوسالانه تصویرگران کتابهای کودک و نوجوان به همت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جنبه آسپایی به خود گرفت، امید تحول و رونقی در دلها ایجاد شد و پس از آن نیز رشد و رقابت در این حوزه فزونی گرفت.

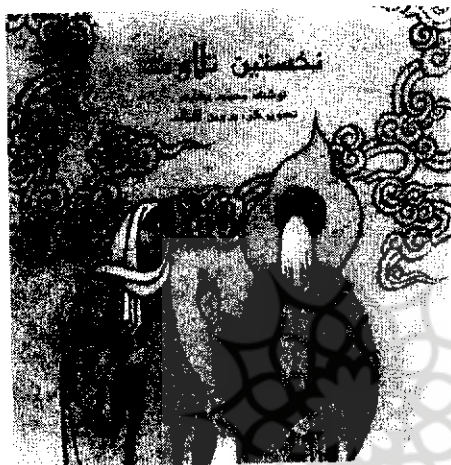
در سال ۱۳۷۲، برگزاری سومین نمایشگاه دوسالانه آثار تصویرگران کتابهای کودک و نوجوان در سطحی بین‌المللی امیدواریه‌ها را زیاد کرد و مسئولان فرهنگی هنری و تصویرگران دریافته‌اند که در جامعه بین‌المللی حرفه‌ای برای گفتن دارند.

فعالیت‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در خصوص برگزاری جشنواره کتاب و مطبوعات کودک و نوجوان و همچنین عملکرد انجمن فرهنگی ناشران کتاب کودک و شهرداری تهران موجب شد تا بر رونق کار افزوده شود. اما از آنجا که اغلب این فعالیتها جنبه نمادی و پایدار به خود نگرفته و دائم دچار نوسان و دگرگونی شده‌اند، با هر آمد و شدی در سطح مسئولان فرهنگی و هنری و ظهور سلیقه‌ها و دیدگاههای متفاوت، جریان از حرکت باز ایستاده یا سیر آن به گندی گراییده است.

در پی این بی‌ثباتی‌ها و نیز حوادثی که اصولاً به سر فرهنگ و هنر و مخصوصاً تولید، نشر و پخش کتاب آمده است، موانع دیگری بر سر راه

۱- «بیانیه هیئت داوران تصویرسازی و طراحی روی جلد جشنواره کتاب کودک و نوجوان ۱۳۷۷» (کتاب ماه کودک و نوجوان، شماره ۱۴) ص ۱۰

در تصاویر کتاب «نخستین تلاوت» که توسط «پرویز اقبالی» نقاشی شده‌اند، دو مسئله بیشتر خودنمایی می‌کند؛ یکی طراحی نسبتاً خوب و قوی و دوم خطوط ریز خارمانندی که در تمامی بدنه خطوط اصلی روییده و چشم را می‌آزارند.



فکری کودکان و نوجوانان پرسشنامه‌هایی (ناپخته) برای ارزشیابی آثار فراهم کرده بود که بر آن اساس کار به انجام رسید؛ البته امید است که در جشنواره‌های آتی این امر به شکل بهینه و کامل خودش به اجرا گذاشته شود. در جشنواره مذکور این مشکل وجود داشت که بعضی از داوران بدون مطالعه متن موردنظر، در خصوص تصویرها و طرح روی جلد کتابها اظهار نظر می‌کردند.

### نقد آثار

دلایل انتخاب و اهدای جایزه به نقرات برتر در بخش تصویرسازی و طراحی روی جلد کتاب کودک و نوجوان به طور مکتوب و موجز در زمان اهدای جوایز بیان شده است. در این مقاله با شرح و بیانی کاملتر به بررسی و نقد آثار فوق می‌پردازیم:

### الف - کتابهای غیرکانون (ناشران خصوصی و دولتی)

#### ۱- نخستین تلاوت

تصویرگر: پرویز اقبالی

ناشر: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی

در تصاویر کتاب «نخستین تلاوت» که توسط «پرویز اقبالی» نقاشی شده‌اند، دو مسئله بیشتر خودنمایی می‌کند؛ یکی طراحی نسبتاً خوب و قوی و دوم خطوط ریز خارمانندی که در تمامی بدنه خطوط اصلی روییده و چشم را می‌آزارند. اگرچه «اقبالی» برای ایجاد تنوع در طراحی و برای گریز از یکنواختی طرح‌هایش به این شیوه متوسل شده

است، اما این امر، نه طرحها را از یکنواختی نجات داده و نه توانسته است مخاطب را جذب و راضی کند. زمینه تصاویر هم که با شیوه افشانگری ساخته شده است، گرچه هم‌رنگ کویر و شن و ماسه است و تا حدودی توانسته فضای وقوع حادثه را به بیننده القا کند، اما به دلیل یکنواختی از عهده انجام همه وظایف خود برنیامده است. در این خصوص، چنین احساسی به بیننده دست می‌دهد که گریز از یکنواختی، تصویرساز محترم را به ساخت و ساز چنین بافتی برای زمینه تصاویر ترغیب کرده است.

چیزی که باقی می‌ماند همان طراحی نسبتاً قوی و ترکیب‌بندی خوب تصاویر است که با شیوه‌ای ظاهراً نو، اما نه دلپسند اجرا شده است و آخرین حربه هیئت‌داوران، یعنی گزینش «خیرالموجودین» کمک بزرگی کرده است تا این اثر به جایزه برسد.

## عاملی که نقاشیهای «فیه مافیه» را به سکوی دریافت جایزه سوق داده، صداقت «میر محمدی» و کار نسبتاً حسی اوست.



نکته تأسفبار و قابل توجه این اثر آن است که حروفچینی و صفحه‌آرایی بسیار بدی دارد، تصاویر با متن همساز نیست، حروف روی تصاویر نشسته و خوانایی خود را از دست داده‌اند؛ گویی هیچ‌گونه نظارت هنری در جمع‌وجور کردن این اثر وجود نداشته است و این مایه بسی تعجب و شگفتی است.

### ۲- فیه مافیه

تصویرگر: نیلوفر میرمحمدی

ناشر: نشر پیدایش

کتاب «قصه‌های شیرین فیه مافیه» مولوی را که توسط «محمدکاظم مزینانی» برای نوجوانان ساده‌نویسی شده، «نیلوفر میرمحمدی» با نقاشیهای سیاه و سفید تصویر کرده است. او برای روی جلد این کتاب نیز یک نقاشی رنگی ارائه داده است.

اولین نکته‌ای که با دیدن این نقاشیها به ذهن بیننده متبادر می‌شود، سادگی و خلوص آنهاست. این تصاویر، نقاشیهای کتابهای چاپ سنگی را که هنرمندان نه چندان چیره‌دست کار می‌کردند، تداعی می‌کنند. (ص ۱۹)

روش کار ششبه چاپ از روی ششبه (مونوپرینت) است. تصاویر احتمالاً با قلم فلزی روی کاغذ نمناک نقاشی شده‌اند. طراحها اگرچه غالباً خشک و بی‌روح‌اند، اما به لحاظ روش اجرا از یکدستی برخوردارند.

مضمون داستانهای این کتاب دارای مفاهیمی عرفانی است که در اغلب موارد، نوجوانان تجربه لازم را برای درک آنها ندارند. نقاش محترم نیز شاید با پایبندی به مخاطبان کتاب، مضامین دم دستی و ظاهری موضوعها را به تصویر کشیده و

تقریباً در هیچ‌کدام از موارد به عمق ماجرا فرو نرفته است.

صفحه‌آرایی این کتاب دلچسب نیست. خیلی از داستانها و تصاویر مربوطه را می‌شد در یک صفحه آغاز و به پایان رساند، اما این‌طور نشده و از این جهت، صفحات کتاب دچار آشفتگی است (صفحه ۴۰ و ۴۱). حاشیه سفید و زیاد صفحه‌ها نیز به دلیل اینکه هیچ کاربردی ندارد - جز یکی دو مورد پانوشته - قابل توجیه نیست؛ این کتاب می‌توانست در قطع رقی هم با همین مقدار صفحه چاپ شود.

نقاشی روی جلد، نسبتاً خوش آب و رنگ است و جذابیت لازم را دارد، اما در اینجا نیز آرایش ناسالم جلد آزاردهنده است. حضور یک لکه تیره سورمه‌ای که ستاره‌ای را در پیکان خود دارد، تصویر را دچار آشفتگی کرده است و بُرش نامناسب نشانه‌ی ناشر در پایین صفحه چشم را از تصویر روی جلد به انحراف می‌کشاند.

عاملی که نقاشیهای این کتاب را به سکوی دریافت جایزه سوق داده، صداقت میرمحمدی و کار

## کم‌کاری در پژوهش و جستجو برای پیدا کردن عناصر محیطی، معماری، پوشاک و ... ، به منظور تکمیل تصویر، مشکل اکثر تصویرگران ماست.



نسبتاً حسنی اوست. در واقع این کتاب و کتابهای سه جلدی قصه‌های شاهنامه که توسط نشر افق، در سال ۱۳۷۶ به چاپ رسید، متفقاً توانسته‌اند به جایزه برسند.

اگر میرمحمدی اندکی دیگر به قوت طراحیهایش بیفزاید و مقداری از پرگویی تصویری خویش بکاهد و شتاب‌کاری خود را نیز کم‌کند، امید توفیق بیشتری برایش متصور است.

### ۳- قصه‌های شیرین مرزبان‌نامه

تصویرگر: غلامعلی مکتبی

ناشر: نشر پیدایش

تصویرهای سیاه و سفید کتاب مرزبان‌نامه از انتشارات نشر پیدایش را «غلامعلی مکتبی» با شیوه اسکراچ بُرد (خرایش روی مرکب) ساخته است.

این اثر حاوی تعدادی داستان عبرت‌آموز اجتماعی و عرفانی است که بعضی از آنها با روایت‌هایی دیگر، قبلاً نیز خوانده و شنیده شده‌اند.

تصاویر این کتاب از قطعات و لکه‌های کوچک و بزرگ به هم پیوسته سیاه تشکیل شده که خراشهای سفیدرنگ آنها را تقسیم کرده و شکلهای ریزتر را فراهم آورده است. این لکه‌های سیاه و عموماً خشن، روحیه‌ای جنگی و خشنونت‌بار به

تصاویر داده، باعث شده‌اند تصاویر از متن کتاب فاصله بگیرند. هنرمند گرامی در درگیری با صحنه‌های نرم و ملایم تصاویر، بعضی از چهره‌های شخصیتها را مهربان و نرم یا خشن و بی‌روح ترسیم کرده (تصویر ص ۷۱) و احتمالاً با برداشتی متفاوت با روح داستانها، چهره‌ای حماسی به نقاشیهای خود داده است. این تضاد، خواننده را دچار سردرگمی می‌کند.



از دیگر مشکلات تصاویر این کتاب، نگاه غرب‌گرایانه و بزرگنماییهای مفرط است که گریز از ریزپردازی و عدم توجه به دیگر شخصیت‌های داستان را سبب شده است. همچنین محیط و معماری وقایع نادیده گرفته شده‌اند. متأسفانه کم‌کاری در پژوهش و جستجو برای پیدا کردن عناصر محیطی، معماری، پوشاک و ... ، به منظور تکمیل تصویر، مشکل اکثر تصویرگران ماست. لذا در همین کتاب می‌بینیم که عموم تصاویر با چند چهره شاخص و یکی دو هیكل ترکیب شده فراهم آمده‌اند و هیچ‌گونه اشاره‌ای به محیط و معماری داستان نشده است.

تصویر روی جلد این کتاب، به دلیل توجه به فضای داستان و صحنه‌پردازی با ترکیب‌بندی خوب و رنگهای شاد، نسبتاً موفق‌تر از تصاویر متن است؛ اگرچه نوع آرایش روی جلد، به تصویر آن لطمه زده است.

صفحه‌آرایی این کتاب که ظاهراً سعی شده است از شیگردهای گرافیکی بهره داشته باشد، بدون توجه به خوانایی مطلب و تصویر انجام شده

## در بیشتر آثار «میرمحمدی» شلوغی و گاه در هم ریختگی زیاد و بی‌حسابی دیده می‌شود.



است. برشها از بعضی تصاویر، در جاهای دیگر کتاب به کار رفته‌اند که هیچ‌گونه ارتباطی با متن همراه خود ندارند و مانند نمک زیادی که در آش ریخته باشند به نظر می‌آیند. (ص ۳۷)

با این اوصاف شاید این سؤال مطرح شود که چرا چنین اثری توانسته است برای پدیدآورنده‌اش جایزه به ارمغان بیاورد؟ باید گفت که اولاً طراحیها و ترکیب‌بندیهای آثار آقای مکتبی عموماً با مهارت انجام شده‌اند؛ ثانیاً تلاش در به کارگیری روشهای جدید در آثار ایشان دیده می‌شود و ثالثاً آثار ایشان در مقایسه با دیگر آثاری که در بوته داوری نهاده شده بودند، یک سر و گردن بالاترند.

### ۴- قصه‌های شاهنامه

تصویرگر: نیلوفر میرمحمدی

ناشر: نشر افق

قصه‌های شاهنامه در سه جلد، توسط نشر افق منتشر شده و «نیلوفر میرمحمدی» آن را به تصویر کشیده است.

همه تصاویر این سه کتاب با یک روش نقاشی با مرکب و قطعی (کلاژ) ساخته شده‌اند و مثل بیشتر آثار «میرمحمدی»، شلوغی و گاه درهم ریختگی زیاد و بی‌حسابی در آنها دیده می‌شود. پاره‌ای از شکلها نیز در رنگ دوم چاپ شده‌اند که جایگزاری رنگ دوم خیلی حساب شده نیست. اگرچه هنرمند محترم کوشش کرده است تا تصاویر، ظاهری هنری داشته باشند و تا حدی هم به این مقصود رسیده است، اما طراحی متوسط، شتاب در ترکیب‌بندیها، پراکندگی نامناسب فرمها و رنگ دوم، مانع از دستیابی کامل به این هدف شده است. اصولاً انجام چنین کاری (ترکیب نقاشی و کلاژ) مستلزم آشنایی دقیق نقاش با عناصری

است که از آنها استفاده می‌کند. و معمول بر این است که یا از روش و تکنیک عناصر به کار گرفته شده تبعیت می‌کند، یا آنها را چنان در تکنیک و روش خود آمیخته و غرق می‌کند که مخاطب اثر، روش غالب هنرمند را کاملاً تشخیص می‌دهد. این اثر از این جهت، هنوز جایگاه خود را باز نیافته است؛ تصویرهایش بیشتر شبیه اتود شده‌اند و تا پختگی و رسیدن به عرصه فاصله دارند. «میرمحمدی» در مجموعه کارهای خود این را نشان داده است که ظرفیت ترقی دارد، اما باید صبر و حوصله بیشتری به کار برد تا بتواند به نتیجه کاملتری برسد. البته در این امر، ناشران محترم نیز می‌توانند با سعه صدر بیشتر نقاش را یاری دهند. نکته دیگری که در این تصویرها به چشم می‌خورد، عدم توجه نقاش به چهره شخصیت‌های داستانی است. مثلاً در جلد اول (ضحاک بنده ابلیس) صفحه ۵، چهره‌های «ارمایل» و «کرمایل» که دو شخصیت قهرمان داستان هستند و در اندیشه تدبیری برای نجات جوانان شهر خود، کش و واکش دارند و از شجاعت برخوردارند، مثل انسان‌هایی



## شاید این اثر «هر کسی کاری داره» دارای ترکیب‌بندی مناسبی باشد یا نوجویی داشته باشد؛ آن هم در حیطة تکنیک و پرداخت اثر، نه در بیان، اما فاقد عنصر اولیه زیبایی است.

تصویرگری از جمله این وجوه متمایز و مثبت است.

ب - کتابهای منتشر شده از سوی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

۱- هر کسی کاری داره

تصویرگر: ابوالفضل همتی آهویی

تصاویر کتاب هر کسی کاری داره را «ابوالفضل همتی آهویی» نقاشی کرده است. هیئت داوران جشنواره کتاب کودک و نوجوان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در تصاویر این کتاب، ردپایی از جستجو برای یافتن تکنیکی جدید دیده و به آن لوح تقدیر اعطا کرده است. اینحائب نیز بر این امر اذعان دارم، لکن در اینکه نقاش محترم به نتیجه هم رسیده باشد تردید دارم؛ چرا که از مهمترین ویژگیهای یک تصویر، زیبایی آن است (بنابر تعاریفی که از هنر و هنرهای تجسمی داریم) و اثر موردنظر، فاقد این ویژگی است. شاید

مریض احوال و افسرده نشان داده شده‌اند. همچنین در صفحه ۹، ضحاکستمگر و خونخوار با چهره و هیئتی حیوان، بُله و بی‌اراده تصویر شده است. هر دو این موارد با روح داستان بی‌تناسب است.

در صفحه ۱۰ نیز تصویری جایگذاری شده است که مطلبی مربوط به آن نیافتم. ظاهر تصویر نشان می‌دهد که یکی از دو برادر قهرمان، چون زندانیان در گوشه‌های آرمیده و ضحاک‌ماردوش با صلابت تمام، از بالای سر، وی را نظاره می‌کند؛ حال آنکه در گفتگوی دو برادر می‌خوانیم: «ضحاکسیم و زر زیادی به پایمان ریخته.» در اینجا کلام با طرح در تضاد است. از این دست ناهمگونیها در صفحه‌های دیگر کتاب نیز دیده می‌شود.

تصاویر صفحه آخر کتابهای اول و دوم که برگرفته از تصاویر متن آنهاست، بی‌معنی می‌نمایند. شاید این تصاویر برای پر کردن صفحه آخر به اینجا آورده شده باشد؛ چرا که هیچ خاصیت دیگری ندارند. اگر هدف از این کار معرفی شخصیتها می‌بود، بایستی آنها را در ابتدای کتاب ارائه می‌شد.

تصاویر رنگی و نوع آرایش جلدها دارای جاذبه است، اما ضعفهایی که پیشتر برشمردم، همچنان در آنها دیده می‌شود.

مجموعه تصاویر این سه کتاب و تصاویر کتاب ۱۱ ماهیه، با همه نقادیهایی که شد، نسبت به اقران خود دارای وجوه متمایز و مثبتی است که نقاش محترم را بر کرسی دریافت جایزه جای داده است. روحیه نوجواهی، نوجویی، جرئت و جسارت در جستجوی راههای جدید برای



این مسئله مایه شگفتی است که چرا در اغلب موارد، صفحه‌آراها و مسئولان آماده‌سازی و چاپ کتابها، به سادگی و از سر بی‌سوادی یا کم‌توجهی، حاصل زحمت نقاشان و تصویرسازان را به باد می‌دهند و گاهی با انتخاب رنگ نامناسب، حروف بدقواره یا چاپ توأم با عجله، رشته بافته شده دیگران را پنبه می‌کنند!

خودنمایی می‌کنند؛ مانند تصویر صفحه ۲۲ که برای توصیف نانوا آورده شده است. در این تصویر، تنور نان خمردای و مخصوص لواش یا تافتون است، ولی بر دیوار نانوایی، نانه‌های سنگک، بربری و ... ردیف شده‌اند. چنین اشتباهی قطعاً برای مخاطبان ایجاد سؤال می‌کند.

امید است که طراحان و نقاشان کتاب کودک و نوجوان، بیانی رساتر، زیباتر و دلچسب‌تر برای هنر خویش بیابند، خود را از اسارت تکنیک و روشهایی که فقط می‌تواند اثرشان را نو و از دیگر آثار متمایز کند، برهانند و «بیان» را فدای «قالب» نکنند.

در صفحه‌آرایی این کتاب نیز اسراف در مصرف کاغذ دیده می‌شود. این کتاب با اندکی درایت می‌توانست در ۲۴ صفحه وزیری چاپ شود. عبارت بزرگ «بسم‌الله ...» در صفحه آغازین کتاب، همچنان کاربردی متظاهرانه دارد که بهتر است فکری برای آن بشود.

## ۲- جا مانده از کاروان

تصویرگر: سعید رزایی

تصاویر سیاه و سفید متن کتاب جا مانده از کاروان که توسط «سعید رزایی» نقاشی شده‌اند، دارای طراحی نسبتاً قوی‌اند و همین ویژگی در کنار رعایت آناتومی و تناسب بدنی شخصیتها، بیننده را جذب می‌کند؛ البته عنصر مضر و چشم‌آزار رنگ زمینه - خردلی بستر نامناسبی برای ارائه این طرحهاست - توان استمرار دیدن را

این اثر دارای ترکیب‌بندی مناسبی باشد یا نوجویی داشته باشد؛ آن هم در حیطه تکنیک و پرداخت اثر، و نه در بیان، اما فاقد عنصر اولیه زیبایی است.

در شعرهای این کتاب که از سروده‌های «اسدالله شعبانی»‌اند، گاهی تصویری زیبا از کارگری آشنا توصیف شده است، اما این تصویر در نقاشیهای کتاب دیده نمی‌شود؛ مثلاً در صفحه‌های ۱۴ و ۱۵ «شعر رفتگر» را می‌خوانیم:

غنچه صبح که وا شد

رفتگر از خواب پا می‌شد

با چهره خندون و شاد

از خونه‌اش بیرون میاد

در کنار این شعر، تصویر مردی را می‌بینیم کوتاه قد، با نگاهی تیز که چشم در چشم مخاطب برآق کرده است؛ این هیکل هیچ تناسبی با توصیفات که در شعر شده است ندارد و دلچسب هیچ کودک یا نوجوانی نیست.

اگر به تصویر گلرورش در صفحه ۸ نگاه کنید،

چیزی جز چهره مرده‌ای به‌تازده که برای گرفتن عکسش به صورت مجسمه درآمده است نمی‌بینید؛ با دسته گلی که هیچ زیبایی ندارد. بقیه چهره‌هایی که در این کتاب تصویر شده‌اند، همجنس دو مورد فوق‌الذکرند؛ همه بی‌روح، با تبسمی مرده و مصنوعی. گویی همه تصاویر، از روی عکس کارگران بی‌انگیزه و بی‌تفاوت، با ژستهای خشک و سرد نقاشی شده‌اند.

در پاره‌ای موارد نیز اشتباهاتی در تصاویر



خور به آنها اعطا کنیم. هیئت داوران با همین محذور و پس از مدتی مذاکره توانست یا انفکاک ذهنی تصاویر از نحوه رنگ‌بندی و چاپ بد آن به نتیجه برسد. ناگفته نماند که شناخت اعضای هیئت داوران از توانایی بالقوه تصویرگری «رزاقی» یکی از عوامل اهدای این جایزه بوده است.

این کتاب دارای ایرادهای دیگری در صفحه‌آرایی است که آنها را برمی‌شمرم:

۱- عبارت «بسم‌الله» در صفحه ۳ بسیار درشت و کج است و به کارگیری آن در این اندازه، نوعی تظاهر را القا می‌کند.

۲- رنگ مشکی متن و تصاویر بور و کم‌مایه چاپ شده و صلابت و کیفیت نقاشیها را کم کرده است.

۳- سایه زیر فیش برکه در صفحه ۲ کاملاً بی‌مورد است.

۴- رنگ خردلی زمینه بسیار بد است و به شدت به نقاشیها لطمه زده است.

۵- از انتشارات و بخش گرافیک کانون با آن همه سابقه، بروز چنین مواردی جای تعجب دارد! به امید ارتقای بیشتر سطح تصویرگری کتاب کودکان ایران.



## جامانده از کاروان

نویسنده: محمود حجازی  
تصویرگر: سعید رزاقی

از بیننده می‌گیرد. (تصویر ص ۴)

این مسئله مایه شگفتی است که چرا در اغلب موارد، صفحه‌آراها و مسئولان آماده‌سازی و چاپ کتابها، به سادگی و از سر بی‌سوادی یا کم توجهی، حاصل زحمت نقاشان و تصویرسازان را به باد می‌دهند و بعضاً با انتخاب رنگ نامناسب، حروف بدقواره یا چاپ توأم با عجله، رشته بافته شده دیگران را پنبه می‌کنند! شاید اگر قرار بود تصویرهای این کتاب، در وضع چاپ شده فعلی مورد قضاوت قرار گیرند، نمی‌توانستیم بهایی در

کانون  
رتال جامع علوم انسانی